



پاسخ به نقد مقاله «قرار اناطه و جایگاه آن در نظام قضائی ایران»

بهرروز جوانمرد *

جناب آقای دکتر محمد رضا زندگی مدیرمسئول محترم ماهنامه قضاوت با سلام و احترام

به استحضار می‌رساند در شماره ۵۱ ماهنامه قضاوت مطلبی با عنوان نقد مقاله «قرار اناطه و جایگاه آن در نظام قضائی ایران» توسط جناب آقای منصور دهنمکی وکیل محترم دادگستری نگاشته شده که ظاهراً در پاسخ به مقاله «قرار اناطه و جایگاه آن در نظام قضائی ایران» نوشته جناب آقای ابوالفضل دنکوب بوده است. این مرقومه در پاسخ به انتقاد آقای ده نمکی تقدیم می‌گردد. مستدعی است در صورت امکان جهت تنویر ذهن خوانندگان فرهیخته در شماره بعدی مجله منتشر نمایند.

*دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

ماده ۱۷ قانون سابق آ. د. ک. مصوب ۱۲۹۰ از باب تمثیل به دو مورد «مالکیت و افلاس» به عنوان مواردی که در خصوص آنها قرار

اناطه صادر می‌شود اشاره کرده بود. عدم صراحت قانون آ. د. ک. سال ۱۲۹۰ در خصوص اختلاف در مالکیت منجر به دو برداشت متفاوت از این ماده شده بود.

با توجه به ابهام متن ماده، برخی عقیده داشتند مالی که بر سر مالکیت آن اختلاف وجود دارد لزوماً بایستی غیر منقول باشد و صدور قرار اناطه در اموال منقول ممنوع است لذا مثلاً در مورد مالکیت یک کشتی قرار اناطه صادر نمی‌شود. در مقابل دیدگاهی وجود داشت که اختلاف در مالکیت را ناظر به تمامی اموال منقول و غیر منقول می‌دانست. تا آنکه با صدور رای وحدت رویه شماره ۵۲۹ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲ نظر گروه اول مورد تأیید قرار گرفت. به موجب این رای: «صدور قرار اناطه ناظر به اختلاف در حق مالکیت نسبت به اموال غیر منقول است و اموال منقول را شامل نمی‌گردد.» این رای تا زمان تصویب قانون آ. د. ک. مصوب ۱۳۷۸ همواره مورد استناد محافل آکادمیک و رویه قضایی عام بود. با تصویب قانون جدید آ. د. ک. در ماده ۱۳، مقنن صراحتاً به مورد خاصی جهت صدور قرار اناطه اشاره ننموده بلکه به صورت کلی واژه «امری» را بکار برده است.

لذا عده ای بر این دیدگاه استوار شدند که با توجه به ماده ۱۳ قانون جدید می‌توان گفت که رای مذکور در مقام حل تعارض در برداشت از ماده ۱۷ ق. آ. د. ک. مصوب ۱۲۹۰ صادر گردیده — که در آن ماده، به واژه (مالکیت) اشاره شده بود و در میان دادگاه‌ها اختلاف بود که آیا این مالکیت ناظر به اموال منقول است یا غیر منقول و یا هر دو؟ — اما اکنون با توجه به واژه‌های به کار گرفته شده در ماده ۱۳ ق. آ. د. ک. مصوب ۱۳۷۸ که مقنن به طور مطلق به قرار اناطه به تشخیص دادگاه اشاره نموده و به طور ویژه صحبتی از «مالکیت» ننموده لذا رای مذکور کان لم یکن تلقی

می‌گردد و قرار اناطه شامل کلیه اموال منقول و غیر منقول می‌شود. اما در پاسخ به این دیدگاه می‌توان گفت در اموال منقول، تصرف، اماره مالکیت است و قانون هر کس را که متصرف مال باشد مالک آن می‌شناسد و لذا محلی برای صدور قرار اناطه وجود ندارد. به علاوه هر چند در رأی مذکور، به ماده ۱۷ ق. آ. د. ک. مصوب ۱۲۹۰ اشاره شده و هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مقام تفسیر این ماده بوده است اما به جهت آنکه اولاً مقنن در ماده اخیر الذکر به واژه «مثل» اشاره نموده و ثانیاً محتوای آن با ماده ۱۳ ق. آ. د. ک. مصوب ۱۳۷۸ یکسان می‌باشد و ثالثاً استدلال دیوان عالی در رای وحدت رویه شماره ۵۲۹ بر این امر استوار بوده که هر گاه در امر کیفری مربوط به اموال منقول، بحث حق مالکیت مطرح شود بایستی قائل به قرار اناطه بود و اصولاً اگر بر آن بود که همه اموال را مشمول «تعیین تکلیف حق مالکیت» بدانیم بسیاری از امور کیفری معطل خواهند ماند — که قطعاً این امر مورد نظر مقنن چه پیش و چه پس از انقلاب نبوده است — لذا می‌توان بر آن بود که رای وحدت رویه فوق در حال حاضر در مورد ماده ۱۳ قانون جدید آیین دادرسی کیفری — که اتفاقاً موضوع «اختلاف در مالکیت» یکی از مضامین مورد نظر این ماده می‌تواند باشد — نیز قابل اعمال است.

پی‌نوشت:

- ۱- مطابق ماده ۳۵ قانون مدنی
- ۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک به: خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷، صص ۸۵-۸۸؛ همچنین: گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۴۷-۵۰

